آیا برگزاری جشن و بزرگداشت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اولیای الهی علیهم‌السلام از امور دینی است؟

آیت‌الله‌العظمی سبحانی

مدتی است که از سوی وهابیت این شبهه القا می‌شود که کدام دلیل شرعی بر بزرگداشت و برگزاری جشن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اولیای الهی علیهم‌السلام دلالت دارد؟ آیت‌الله‌العظمی سبحانی در آثار مختلفی نظیر «سیمای حقیقت» و یا کتاب «وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی» و نیز در اثر ارزشمند «دلیل المرشدین» این شبهه را پاسخ گفته و به‌تفصیل دلیل حجیت و شرعیت این امور دینی را به بحث نشسته است. اینک به پاسخ این شبهه می‌پردازیم.

• دلیل دینی بزرگداشت اولیای الهی علیهم‌السلام

پرسش وهابیت از این قرار است که بزرگداشت اولیای الهی در سالروز تولد و درگذشت آنها، امر نوظهوری است که در عصر صحابه نبوده و بعدها پیدا شده است. اکنون چگونه ما آن را انجام دهیم؟

• پاسخ این شبهه

تاریخ گواهی می‌دهد که از زمان‌های دور، مسلمانان جهان، روز ولادت پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله را در هر سال جشن می‌گرفتند و خطیبان به ذکر مدایح آن‌حضرت می‌پرداختند. مبدأ این نوع جشن‌ها، دقیقاً روشن نیست؛ ولی صدها سال است که این‌گونه جشن‌ها در بلاد اسلامی رواج داشته و دارد.

احمدبن محمد، معروف به قسطلانی (متوفای ۹۲۳ ه‍)، از علمای مشهور قرن نهم، درباره جشن‌هایی که در ماه ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام می‌گیرد، چنین می‌گوید:

مسلمانان، پیوسته در ماه میلاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جشن می‌گیرند. اطعام می‌کنند. شب‌ها به پخش انواع صدقات می‌پردازند. اظهار شادمانی کرده و نیکی‌ها را دو چندان می‌کنند و به قرائت اشعاری در تهنیت ولادت آن‌حضرت می‌پردازند. برکات آن‌حضرت در هر سال نمایان می‌شود. رحمت خدا بر کسانی باد که شب‌های ماه، میلاد او را عید گرفته و دردی بر دردهای کسی که در قلب او مرض هست، می‌افزایند.[1] حسین‌بن محمدبن حسن، معروف به «دیاربکری» (متوفای ۹۶۰ ه‍) نیز که از قضات مکه به‌شمار می‌رفت، در تاریخ خود می‌نویسد: مسلمانان پیوسته ماه میلاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را جشن می‌گیرند. اطعام می‌کنند. شب‌ها صدقه می‌دهند. اظهار سرور و شادمانی می‌کنند. در نیکی به فقیران اصرار می‌ورزند. به خواندن مولودیه می‌پردازند و کرامات آن‌حضرت در هر زمانی نمایان می‌گردد.[2] این دو نصّ تاریخی که مربوط به قرن دهم است، نشان می‌دهد که بزرگداشت روز ولادت اولیای الهی علیهم‌السلام در تاریخ اسلام، ریشه دیرینه داشته و علما و دانشمندان مسلمان بر این عمل صحه می‌نهاده‌اند و این عمل، مفهومی جز اظهار مودت به ساحت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ندارد.

با توجه به این اصل، دلیل شرعی این بزرگداشت را متذکر می‌شویم:

• مهرورزی و تکریم به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از اصول اسلام است

مودّت و مهر به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور قرآنی است و هیچ فردی نمی‌تواند آن را انکار کند و بزرگداشت میلاد او تجسّم بخشیدن به این اصل است و ما در این مورد به ذکر دو آیه بسنده می‌کنیم:

۱. ﴿قُلْ إِنْ كانَ آباؤُكُمْ وَأَبْناؤُكُمْ وَإِخْوانُكُمْ وَأَزْواجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَتِجارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسادَها وَمَساكِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ وَجِهادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللهُ بِأَمْرِهِ وَاللهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقِينَ﴾.[3]

«بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادی آن بیمناکید و سراهایی که می‌پسندید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید که خدا خواسته خود را محقق می‌سازد و خدا فاسقان را راهنمایی نمی‌کند».

این آیه به‌روشنی بیان می‌کند که دوستی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار دوستی خدا از واجبات الهی است؛ هرچند این دوستی مقدمه‌ای است برای عمل به شریعت و احکام او؛ ولی در عین حال، عمل به شریعت از گذرگاه مهر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گذرد.

۲. در آیه دیگر مؤمنان را چنین توصیف می‌کند:

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.[4]

«آنان که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان آورده و به تکریم او پرداخته و او را یاری می‌رسانند و از نوری که همراه وی فرود آمده پیروی می‌کنند، آنان همان رستگارانند».

این آیه به مسلمانان، چهار دستور می‌دهد:

۱. ﴿آمَنُوا بِهِ﴾: به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان بیاورند.

۲. ﴿عَزَّرُوهُ﴾: به تکریم و تعظیم او بپردازند.

۳. ﴿وَنَصَرُوهُ﴾: در سختی‌ها او را یاری کنند.

۴. ﴿وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ﴾: از قرآنی که با او فرستاده شده، پیروی کنند.

با توجه به این دو آیه که مهر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تکریم او را از فرائض می‌داند، اکنون سؤال می‌شود، آیا گردهمایی مسلمانان در روز تولد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق بخشیدن به این دو آیه هست یا خیر؟ به‌طور مسلم، آری و هر فردی که از این مجالس دیدن کند، آن را نوعی اظهار مهر و مودّت و تکریم و تعزیز می‌داند. بنابراین، عمل مسلمانان ریشه قرآنی و اصل آسمانی دارد. در این صورت طبعاً بدعت نخواهد بود. بدعت آن کار نوظهوری است که در قرآن و سنت برای آن اصل و اساسی نباشد.

* * *

خدا در سوره «انشراح» یادآور می‌شود که ما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را بلندآوازه کردیم؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿وَ رَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ﴾.[5]

«آیا ما نامت را بلندآوازه نساختیم؟».

این آیه حاکی است که ترفیع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و بلندآوازه کردن ایشان، یکی از نعمت‌های الهی بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است. یکی از ابزار «ترفیع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله»، نکوداشت میلاد اوست و

شادمانی به‌دور از هر نوع لهو و گناه در روز ولادت، همگی نوعی ترفیع نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله و بلندآوازه کردن اوست.

حضرت مسیح علیه‌السلام روز نزول مائده سماوی را برای یارانش عید معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿رَبَّنا أَنْزِلْ عَلَيْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ تَكُونُ لَنا عِيداً لِأَوَّلِنا وَ آخِرِنا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ارْزُقْنا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾.[6]

«پروردگارا! از آسمان خوانی برای ما فرود آر تا عیدی برای اول و آخر ما و نشانه‌ای از جانب تو باشد و به ما روزی ده که تو بهترین روزی‌دهندگانی».

به‌راستی اگر روز نزول مائده (که نعمتی محدود و زودگذر است)، استحقاق جشن گرفتن آن روز در تمام سال‌ها را دارد، چرا و چگونه ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا روز مبعث او (که نعمت بزرگ و جاویدان الهی برای بشریت است)، استحقاق چنین جشن و سروری را نداشته باشد؟!

بنابراین، هرگاه مسلمانان در هر روز و شبی و هر ماه و سالی مجلسی تشکیل دهند و در آن، فضائل و مناقب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را یادآور شوند و آیاتی که در حق او وارد شده، تلاوت کنند و اشعاری را در مدح او بسرایند، در حقیقت فرمان خدا را در زمینه مهرورزی و تکریم و ترفیع وی به اجرا درآورده‌اند و علّت اینکه تنها روز ولادت را برای این کار اختصاص می‌دهند، این است که وجود او و تولّد او نعمت بزرگی بود. به‌همین مناسبت در این روز به آن کار می‌پردازند، بدون اینکه جشن در خصوص آن روز را به شرع مقدس نسبت بدهند؛ بلکه انتخاب آن روز، نوعی گزینش است و ارتباطی به شرع ندارد.

• پی نوشت‌ها

۱. المواهب اللدنیه: ۱/۲۷؛
۲. تاریخ الخمیس: ۱/۳۲۳؛
۳. توبه/ ۲۴؛
۴. اعراف/ ۱۵۷؛
۵. انشراح/ ۴؛
۶. مائده/ ۱۱۴.

عطر حبیب؛ سیره اخلاقی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی

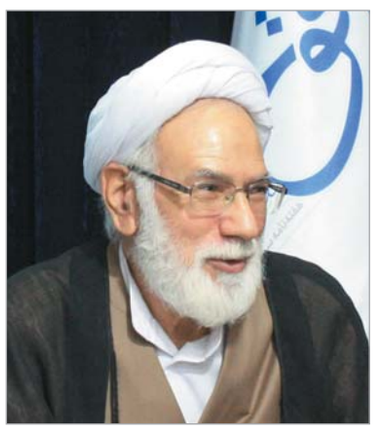

یا رسول‌الله!

کلامت، روشن و فصیح بود. به فراخور عقل و درک مخاطب سخن می‌گفتی، گاهی سخنی را سه بار تکرار می‌کردی، تا طرف خوب بفهمد. هنگام سخن گفتن، کلام را با لبخند می‌آمیختی. هرگز سخن کسی را قطع نمی‌کردی، زبان به بدگویی و عیب‌گویی از دیگران نمی‌گشودی.

صدایت که می‌کردند، می‌گفتی: لبیک!

خطبه‌هایت، از همه کوتاه‌تر؛ ولی پرمایه‌تر بود. زبانت را از آنچه بی‌مورد و بیهوده بود، فرو می‌بستی، همواره خدا را یاد می‌کردی و استغفار بر زبان داشتی، چیزی می‌گفتی که دل‌ها را به هم الفت دهد؛ نه آنکه میانه‌ها را به هم بزند.

با کسی مجادله و جرّ و بحث نمی‌کردی، هنگامی که سخن می‌گفتی، همه ساکت بودند، آن‌چنانکه گویی بر سرشان پرنده نشسته است؛ سراپا گوش! نزد تو نزاع لفظی نمی‌کردند، به سخن دیگران، خوب گوش می‌کردی.

محکم و استوار راه می‌رفتی، گام برداشتنت، چنان بود که نشان می‌داد، ناتوان و کسل نیستی! آن‌چنان‌که گویی سنگی از سرازیری می‌غلطد با مهابت و چالاک!

وقتی سواره بودی، اجازه نمی‌دادی دیگران پیاده پا به پایت راه بیایند؛ یا سوار بر مرکب می‌کردی یا بر سر موعدی، قرار می‌گذاشتی. از گذرگاهی که عبور می‌کردی، عطرت نشان می‌داد که از آنجا گذشته‌ای.

از هر جا می‌گذشتی، سنگ‌ها و درختان، تعظیمت می‌کردند. در سفرها آخرهای جمعیت راه می‌رفتی تا اگر کسی درمانده، یا کمک خواست، کمکش کنی.

گاهی سوار اسب می‌شدی، گاهی بر قاطر و الاغ سوار می‌شدی، یا بر شتر و گاهی نیز پیاده!

سواره که بودی، دیگران را هم بر ترک می‌نشاندی. اوقات داخل خانه را به سه قسمت تقسیم می‌کردی: بخشی برای نیایش و عبادت و برای خدا، قسمتی برای خانواده و بخش دیگری برای کارهای شخصی خود.

در خانه، با خانواده همکاری می‌کردی، گوشت می‌بریدی، شیر می‌دوشیدی، لباس وصله می‌زدی، هر غذایی که می‌پختند، می‌خوردی، از طعامی بد نمی‌گفتی، در را می‌گشودی، کفش خود را می‌دوختی.

بر زمین می‌نشستی و بر زمین غذا می‌خوردی، به خدمتکار خانه وقتی خسته می‌شد، کمک می‌کردی، زیراندازت عبایی بود و بالشتی از پوست پرشده از لیف خرما!

بر حصیر می‌خوابیدی، هنگام خواب، مسواک می‌زدی و دعا می‌خواندی و چون از خواب برمی‌خاستی، خدا را شکر می‌کردی.

کار مراجعه‌کنندگان را راه می‌انداختی، نیازمند و سائلی را دست خالی رد نمی‌کردی.

بنده شکور خدا بودی. نور چشمانت «نماز» بود. وقتی به نماز می‌ایستادی، از خوف خدا رنگ از چهره‌ات می‌پرید. در سینه، ناله‌های سوزناک و آوای حزینی داشتی. هنگام سجود، چنان بر زمین می‌چسبیدی که گویا جامه‌ای بر زمین افتاده است. وقت نماز که می‌رسید، دیگر کسی را نمی‌شناختی و به چیزی توجّه نداشتی جز به نماز! به نماز عشق می‌ورزیدی.

فرا رسیدن «وقت» نماز را انتظار می‌کشیدی و هنگام نماز که می‌شد، می‌گفتی: ای بلال! خوشحال‌مان کن! هیچ چیز را بر نماز مقدم نمی‌داشتی.

می‌فرمودی (به ابوذر): خداوند فروغ دیدگانم را در نماز قرار داده است. آن‌گونه که گرسنه غذا را دوست می‌دارد و تشنه آب را، من هم شیفته نمازم.

با این تفاوت که گرسنه و تشنه سیر و سیراب می‌شود؛ اما من از نماز سیر نمی‌شوم.

رکوع‌ها و سجودهای طولانی داشتی. به خدا عرضه می‌داشتی: پروردگارا! دوست دارم، یک روز سیر باشم و شکرت کنم، روز دیگر گرسنه باشم تا از تو سؤال کنم.

نشست و برخاستت، همراه با «ذکر خدا» بود. با آنکه «معصوم» بودی؛ ولی آن‌قدر از خشیت خدا می‌گریستی که مصلّی و سجده‌گاهت خیس می‌شد.

هنگام دعا، همچون مسکینان نیازمند، دست‌ها را بالا می‌گرفتی. «بنده خدا» بودی. یک بار که بر زمین نشسته و با دست غذا می خوردی، زنی گفت: یا رسول‌الله! چرا مانند بندگان نشسته و غذا می‌خوری؟

و .... فرمودی: وای بر تو! چه کسی بنده‌تر از من است؟ تو عبد خدا و رسول او بودی.

چهره‌ات گشاده بود و خوش‌رو. به هر کس می‌رسیدی، سلام می‌گفتی. با هر که دست می‌دادی، آن‌قدر صبر می‌کردی که او دستش را بکشد. به‌صورت کسی خیره نمی‌شدی، به هیچ‌کس، دشنام و ناسزا نمی‌گفتی، بر تندخویی و بداخلاقی دیگران صبر می‌کردی. هدیه مردم و دعوت بردگان را می‌پذیرفتی. به عیادت بیماران و تشییع جنازه می‌رفتی. از اصحاب تفقّد و احوال‌پرسی می‌کردی. دیر غضبناک می‌شدی، زود می‌بخشیدی و از همه بیشتر عذرپذیر بودی.

با بینوایان محروم، هم‌غذا و هم‌نشین می‌شدی. پیش دیگران پایت را دراز نمی‌کردی. مزاح و شوخی می‌کردی؛ ولی جز «حق» نمی‌گفتی. با یاران، حلقه‌وار می‌نشستی. خود را برای اصحاب می‌آراستی و عطر می‌زدی. باری بر دوش مردم نبودی. در کارهای اجتماعی مشارکت داشتی. بخشنده و سخی بودی. چیزی را از خواستاران مضایقه نمی‌کردی. به بزرگ هر قومی احترام می‌کردی.

آری.... ای رسول خدا!

وفای به عهد ، صدق و راستی ، امانت و محبّت از ویژگی‌های تو بود. از مهمان کار نمی‌کشیدی، خلف وعده

نداشتی، مردم‌دار و اهل مدارا بودی، سعه صدر و وسعت نظر داشتی و اخلاقت قرآنی بود!

قرآن مجسم بودی و آیاتِ عینیّت‌یافته کلام‌الله!